



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. مقدمات؛ علم؛ موانع کسب علم؛ تقلید
۲. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ ضرورت و صفات خلیفه‌ی خداوند

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ساحل آزادی

تاریخ: ۱۳۹۴/۲/۲۵

در زمان حضور پیامبر و خلفاء او، عده‌ای از مردم در جایی دور از آنان ساکن بودند و دسترسی به آنان نداشتند تا دینشان را فرا بگیرند و سؤالاتشان را بپرسند. بنابراین پیامبر و خلفاء او، یک فرد را به عنوان نماینده‌ی خود در آن شهر یا منطقه معرفی می‌کردند و مردم از او دینشان را فرا می‌گرفتند. حال، آیا آن فرد منصوب شده، معصوم بوده؟ آیا ممکن نبوده است که اشتباه پاسخ دهد؟ پس چطور مردم به گمراهی کشیده نمی‌شدند؟ چگونه هدایت خداوند با وجود یک واسطه‌ی غیر معصوم بدون کمی و کاستی به مردم می‌رسیده است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۲/۲۶

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

اولاً ادعای شما مبنی بر اینکه پیامبر و خلفاء او، در شهرها نمایندگانی منصوب می‌کردند تا مردم دین خود را از آن‌ها بگیرند، اصلی ندارد؛ چراکه آنان نمایندگانی برای این منظور منصوب نمی‌کردند، بلکه صرفاً نمایندگانی برای گرفتن خراج و جمع‌آوری زکات و اقامه‌ی نماز و مقابله با دشمن و اجرای فرمان‌های خود منصوب می‌کردند و از این رو، بسیاری از نمایندگانشان عالم‌ترین مردم به دین نبودند و برخی از آن‌ها به خیانت می‌گراییدند و توسط آنان مؤاخذه یا عزل می‌شدند. با این وصف، شبهه‌ی شما از اصل منتفی است.

آری، ممکن بود کسانی توسط پیامبر و خلفاء او به وثاقت در روایت از آن‌ها ستایش شوند، ولی چنین کسانی نیز نمایندگان آن‌ها برای اینکه مردم دین خود را از آنان بگیرند محسوب نمی‌شدند، بل تنها راویان قابل اعتمادی محسوب می‌شدند که روایاتشان از پیامبر و خلفاء او برای اهل زمانشان معتبر بود، بی‌آنکه آراءشان کمترین اعتباری برای آنان داشته باشد یا لزوماً درباره‌ی همه‌ی مسائل

مورد نیاز آنان روایتی داشته باشند و به این ترتیب، آنان را از مراجعه به پیامبر و خلفاء او بی‌نیاز نمایند؛ زیرا توثیق این راویان توسط پیامبر و خلفاء او، تنها می‌توانست به این معنا باشد که آنان بر پیامبر و خلفاء او عمداً دروغ نمی‌بندند و با این وصف، اگر گفته یا کرده‌ای را از آن‌ها در زمان حیاتشان روایت کنند، می‌توان به روایت‌شان تا زمان دسترسی به آن‌ها اعتماد کرد.

ثانیاً وظیفه‌ی کسانی از مردم که دور از پیامبر و خلفاء او بوده‌اند، در وهله‌ی نخست هجرت به سوی آنان بوده؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ أَوْوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا﴾^۱؛ «هرآینه کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال‌ها و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند و کسانی که جا دادند و یاری رساندند، آنان دوستان یکدیگرند و کسانی که ایمان آوردند ولی هجرت نکردند شما را هیچ دوستی با آنان نیست تا آن‌گاه که هجرت کنند» و فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾^۲؛ «هرآینه کسانی که فرشتگان در حال ظالم بودن آن‌ها به خودشان جان‌شان را می‌گیرند، به آن‌ها گویند: در چه حال بودید؟! گویند: در زمین مستضعف بودیم (به نحوی که امکان آگاهی از عقاید و احکام دین را نداشتیم)! گویند: آیا زمین خداوند گسترده نبود تا در آن هجرت کنید؟! پس آن‌ها جایگاهشان جهنم است و بد بازگشت‌گاهی است». اما در وهله‌ی دوم، کسانی از مردم که واقعاً قاصر بوده‌اند و استطاعت هجرت را نداشته‌اند، موظف بوده‌اند که دسته‌ای از خود را برای آگاهی از عقاید و احکام دین به نزد پیامبر و خلفاء او روانه کنند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾^۳؛ «مگر مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان که چاره‌ای نمی‌توانند و راهی پیدا نمی‌کنند» و فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۴؛ «و مؤمنان کسانی نبودند که همگی کوچ کنند، پس چرا (دست کم) از هر گروهی دسته‌ای کوچ نکردند تا درباره‌ی دین آگاهی کسب کنند و قوم خود را هنگامی که باز می‌گردند بیم دهند باشد که آنان بیمناک شوند؟!» و روشن است که روایت این «دسته» از یک سو روایت واحد نیست و از سوی دیگر تنها برای قومشان که اهل زمانشان هستند حجیت دارد، نه برای کسانی که در قرون بعد می‌آیند؛ چراکه وظیفه‌ی آنان نیز هجرت به سوی خلیفه‌ی زمانشان یا روانه کردن دسته‌ای از خود به سوی اوست و این قاعده تا روز قیامت جریان دارد.

۱. الأنفال / ۷۲

۲. النساء / ۹۷

۳. النساء / ۹۸

۴. التوبة / ۱۲۲

حاصل آنکه هیچ کس جز معصوم نمی‌تواند مرجع مردم در اخذ دین باشد و ناگزیر هر مرجع دیگری غیر از او باید با قید یقین به او منتهی شود و این قاعده‌ای است که مطلقاً قابل تخصیص نیست.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.